

سوریه و رویکرد کوانتومی



اعظم ملایی

پژوهشگر روابط بین الملل

در چند هفته اخیر منطقه غرب آسیا شاهد تحولات جدیدی بوده است که در نوع خود بی سابقه هستند. البته بحران، جنگ و آشوب در این منطقه پدیده‌هایی نا آشنا و غریب نیستند، با این حال تحولاتی که در سوریه در حال رخ دادن است، حتی برای این منطقه نیز کمی نامأنوس و جدید به نظر می‌رسند. چرا چنین اتفاقی رخ داد و دلایل سقوط بشار اسد چه بود و مهم‌تر از آن چرا پیش‌بینی چنین رخدادی برای سوریه انجام نشد؟ به نظر می‌رسد، تحلیل‌هایی که تاکنون در حوزه تحولات منطقه صورت گرفته بیشتر در قالب رویکرد سنتی و نیوتنی بوده و به همین دلیل نتوانسته تصویر درست و دقیقی از این تحولات ارائه دهد. به عبارت دیگر، تحلیل‌های سیاست خارجی در ایران و سایر کشورهای منطقه بسیار به الگوی فیزیک نیوتنی نزدیک بوده که بر اتم محوری و جبرگرایی (دولت محوری و پیش‌بینی‌پذیری حوادث) تکیه داشته است. اما بازیگران و نظام منطقه‌ای در غرب آسیا سیستم‌هایی باز و پویا هستند که موقعیت ثابت ندارند، بنابراین در این منطقه یک علت می‌تواند در زمان‌های مختلف و شرایط متغیر، معلول‌های متفاوتی داشته باشد و حوادث رخ داده می‌توانند علت‌های مختلفی داشته باشند. سقوط اسد به همان اندازه که نتیجه حملات و پیشروی‌های گروه تحریر شام و عدم مقاومت ارتش سوریه در برابر آنها بود، حاصل برنامه‌ریزی کشورها و بازیگران منطقه‌ای و قرا منطقه‌ای، تغییر شرایط جبهه مقاومت و نیز نارضایتی‌های داخلی مردم سوریه نیز بود. ضمن اینکه همه این علت‌ها، معلول‌های دیگری در سایر بخش‌های منطقه و جهان بجز سوریه نیز داشته‌اند. بنابراین بحران سوریه نشان داد تحولات

منطقه غرب آسیا بسیار پیچیده‌تر از این هستند که بتوان آنها را به علت‌های منفرد و منحصر به فرد تقلیل داد، زیرا سیستم‌های پیچیده حاصل تعامل چندین عامل هستند و تفکیک بین آنها بسیار مشکل و حتی غیر ممکن به نظر می‌رسد. نکته دیگر اینکه بر اساس جبرگرایی نظریه نیوتنی، اوضاع آینده همه سیستم‌ها بر پایه وضع کنونی آنها قابل محاسبه است، اما سقوط ناگهانی اسد، آنهم در شرایطی که در سال‌های اخیر سوریه در ثبات و آرامش نسبی قرار داشت، نشان داد جهان امروز ماهیتی مکانیکی و قابل پیش‌بینی ندارد که بتوان برای شناخت آن از روابط منطق ریاضی بهره جست. در عوض وضعیت سوریه یادآور اصل «آشوب کوانتومی» است که بر اساس آن، متغیرهای ذهنی و عینی فرایندهایی صریح، ثابت و روشن نیستند، بلکه دارای رفتارهایی آشوبناک هستند. ویژگی آشوب در ساحت فضا-زمان این است که پدیده در هر زمانی و در هر فضای می‌تواند ویژگی‌های متفاوتی از خود نمایش دهد. وجود عوامل مداخله‌گر در سیستم باعث پیدایش بحران و آشوب شناختی می‌شود. در این مسیر هیچ هسته سخت و متصلبی برای تفسیر قطعی پدیده‌ها در عرصه روابط بین‌الملل و ترسیم‌الگوی برهم کنش پدیده‌ها وجود ندارد و سیستم نظم و امنیت منطقه‌ای و جهانی با نوعی بحران «عدم قطعیتی» مواجه است که خود از دیگر اصول فیزیک کوانتوم است. از این رو، با توجه به تشابهات هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه فیزیک و روابط بین‌الملل و این که دانش فیزیک از مکانیک قدیم به گونه نوینی از آگاهی و شناخت (کوانتوم) منتقل شده، لازم است تا دانشمندان رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز اقدام مشابهی را انجام دهند و روش‌شناسی و منطق حاکم بر تحلیل‌های سیاست خارجی خود را از تکیه بر مفروضات فیزیک نیوتنی به مفروضات دانش نوین کوانتومی تغییر دهند. بر این اساس، در حالی که نقشه ژئوپلیتیکی کلاسیک حکایت بر پایه موضوعاتی همچون دولت‌های ملی، حاکمیت و مرزهای ملی طراحی می‌شد، در نقشه ژئوپلیتیکی کوانتومی، مجموعه‌ای در هم تنیده و شبکه پیچیده‌ای از تعاملات غیردولتی به تصویر کشیده می‌شود که در آن بازیگران فارملی و فراملی در حال قدرت‌یابی و اعمال فشار بر حاکمیت ملی هستند. دقیق‌بودن این رویکرد در عرصه سوریه به خوبی قابل مشاهده است. در بحران سوریه مشخص گردید بازیگرانی غیر دولتی همچون تحریر شام چگونه می‌توانند دولت و نظام سیاسی حاکم در یک کشور و حتی سیستم نظم و امنیت منطقه‌ای را تغییر دهند. دوم اینکه، به نظر می‌رسد اصول مختلف نظریه کوانتوم توانایی تحلیلی بسیار زیادی برای قابل فهم نمودن تحولات عرصه روابط بین‌الملل دارند، به عنوان نمونه بر اساس مفهوم وابستگی کوانتومی، هرگونه تغییر و یا رویدادی در بخشی از جهان به سرعت در عناصر و جریان‌های همسو با آن در دیگر نقاط جهان اثر می‌گذارد. در بحران سوریه نیز این مفهوم کوانتومی به خوبی قابل مشاهده است، جنگ‌های ویرانگر در غزه و لبنان، ترور رهبران جبهه مقاومت توسط رژیم اسرائیل، پیروزی ترامپ در انتخابات اخیر آمریکا، نگرانی و تمایل ترکیه برای مهار تهدید کردها و بسیاری مسائل و تحولات دیگر در جای جای منطقه و جهان، سبب قدرت‌گیری گروه تروریستی تحریر شام و عزم آن‌ها برای ساقط کردن دولت اسد گردید. یکی دیگر از مفاهیم و اصول نظریه کوانتوم، مفهوم «تونل‌زنی کوانتومی» است، در مکانیک نیوتنی فرض بر این است که ماده و انرژی دارای ویژگی‌های مشخص و مقوقلی مانند مکان در فضا و سرعت هستند. بنابراین، «جای‌گزیده بودن» و «قابل مشاهده بودن» جسم یکی از اصول فیزیک نیوتنی است که دلالت بر اشغال فضا در ابعاد مایکروسکوپیک دارد، اما بر اساس نظریه کوانتومی، ذرات کوانتایی امکان گزیر از وابستگی به هسته اتم را دارند. به عبارت دیگر، در جهان کوانتومی، الکترون واقع در یک مولکول زیستی ممکن است به یک مولکول زیستی دیگر جهش کند، پدیده جهش از مرزهای ظاهر ا‌ممنوع را تونل‌زنی کوانتومی می‌نامند.

دکتر ابراهیم فیاض در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

در حال شکل‌گیری فاشیسم جهانی هستیم



به فروپاشی ساختارهای جهانی

تزدیک شده‌ایم

ترامپ می‌خواهد یک برون‌گرایی عظیم

آمریکایی ایجاد کند

ترامپ دنبال فروپاشی اتحادیه اروپا

خواهد بود

آرمان ملی- احسان انصاری: دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در پیام تبریک کریسمس خود، مزایای پیوستن کانادا به ایالات متحده آمریکا را تشریح کرده و قول داد که پس از این اتفاق مالیات‌ها در آنجا ۶ درصد کاهش می‌یابد، تجارت آنها با فاصله دو برابر می‌شود و آنها بهتر از هر کشور دیگری در جهان از لحاظ نظامی محافظت خواهند شد. رئیس‌جمهور منتخب آمریکا همچنین به مردم گرینلند تبریک گفت، که ایالات متحده آمریکا برای اهداف امنیت ملی خود به آن نیاز دارد و می‌خواهند آمریکا در آنجا باشد. ترامپ در ادامه صحبت‌های توسعه‌طلبانه خود پیش از این اعلام کرده بود که ایالات متحده منافع قابل توجهی در عملکرد امن، کارآمد و قابل اتکای کانال پاناما دارد و اجازه نخواهد داد که این کانال به دست نااهل بیفتد. ترامپ ادامه داد: این کانال صرفاً به نشانه همکاری ایالات متحده و پاناما به این کشور

ترامپ در پیام تبریک کریسمس خود، مزایای پیوستن کانادا به ایالات متحده آمریکا را تشریح کرده و قول داد که پس از این اتفاق مالیات‌ها در آنجا ۶ درصد کاهش می‌یابد. آیا ترامپ دنبال الحاق کانادا به آمریکاست؟ واقعا چه هدفی را دنبال می‌کند؟

ما هنوز در فضای قرن بیستم زندگی می‌کنیم و باور نمی‌کنیم که در قرن بیست و یکم قرار داریم. قرن بیستم با صنعت و مکانیک آغاز شد در حالی که مختصات قرن بیست و یکم به صنعت دیجیتال و هوش مصنوعی گره خورده است. اتفاق مهم دیگری که رخ داده نیز این است که صنعت دیجیتال با اقتصاد گره خورده است. این در حالی است که در قرن بیستم تکنولوژی دیجیتال نتوانست به یک صنعت تعیین‌کننده تبدیل شود و بیشتر شبیه آنالوگ بود. این وضعیت نیز به خوبی خود را در جنگ‌ها نشان داد. به عنوان مثال در پایان قرن بیستم و در جنگ خلیج فارس و فروپاشی شوروی خود را نشان داد. این در حالی است که امروز ما وارد دنیای هوش مصنوعی شده‌ایم که با پردازش حافظه بسیاری از معادلات اقتصادی و اجتماعی را تغییر داده است. در شرایط کنونی هوش مصنوعی در حال وارد شدن به اقتصاد است که در صورتی که این اتفاق رخ بدهد دوران هوش مصنوعی یا عصر هوش مصنوعی آغاز خواهد شد. هوش مصنوعی نیز تحولات انقلابی زیادی را در جهان ایجاد خواهد کرد. کار هوش مصنوعی نیز این است که براساس واقعیت‌ها سناریوسازی می‌کند. این سناریوها نیز مورد پردازش قرار می‌گیرد و در اختیار مدیران قرار می‌گیرد تا مدیران براساس آن تصمیم‌گیری کنند. به همین دلیل در دنیای امروز مدیران به واسطه هوش مصنوعی می‌توانند تصمیمات عجیبی بگیرند. نمونه بارز این موضوع در سوریه اتفاق افتاد همه کشورهای جهان حتی روسیه نیز از آن شوکه شدند. این در حالی است که اسرائیل روی موضوع هوش مصنوعی متمرکز و بر این حوزه مسلط شده است. اظهارات ترامپ درباره الحاق کانادا به آمریکا نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است و این نیز از جمله همان اظهارات و تصمیماتی است که مدیران در عصر هوش مصنوعی می‌گیرند.

الحاق کانادا به آمریکا چه مزایایی برای ترامپ خواهد داشت؟

برخی این اظهارات ترامپ را جدی نگرفتند و برخی نیز آن را شوخی فرض کردند. این در حالی است که نخست‌وزیر کانادا که کارنامه موثقی نیز داشته از این موضوع استقبال خواهد کرد. به صورت تاریخی نیز کانادا همواره احساس روستایی بودن در مقابل آمریکا کرده است. به همین دلیل اگر آمریکا اعلام کند که از هم اکنون کانادا به عنوان ایالت پنجاه و یکم آمریکا شناخته شود نیز مردم کانادا از این موضوع استقبال خواهند کرد. حتی این احتمال نیز وجود دارد که با یک اکثریت ۸۰ درصدی مردم کانادا به الحاق به آمریکا موافقت کنند که احتمال آن نیز کم نیست، این وضعیت حتی درباره

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره

یادداشت اخیر محمدجواد ظریف در مجله اکونومیست اظهار داشت: «واقعیت‌های منطقه نشان می‌دهد که برقراری امنیت در خاورمیانه صرفاً متکی به اراده کشورهای در آن نیست و قدرت‌های بزرگ هم تأثیر خود را می‌گذارند و طبیعی است که آمریکا بدون تأمین امنیت اسرائیل راضی به برقراری ثبات در منطقه نمی‌شود. به هر حال قدرت‌های بزرگ منافع خاص و ویژه خود را در خاورمیانه دارند و مسئله اسرائیل هم برایشان دارای اهمیت زیادی است. با این اوصاف طرح مودت کشورهای اسلامی که از سوی آقای ظریف مطرح شده گرچه خوب است اما رویایی است و لوازم تحقق چنین طرحی در حال حاضر مهیا نیست. قاسم مجبعلی گفت: تندروها چه در داخل ایران،

چه در آمریکا و چه گروه‌های تندرویی مانند القاعده، وهابی‌ها و داعش خواهان ادامه تنش در منطقه هستند زیرا نفع آنها در تنش است. حتی به نظرم روسیه هم می‌خواهد تنش در منطقه ادامه داشته باشد زیرا می‌داند اگر آمریکا و اروپایی‌ها از موضوع خاورمیانه فارغ شوند، تمرکزشان معطوف به جنگ اوکراین می‌شود. حتی چین هم بدش نمی‌آید که تنش در خاورمیانه ادامه یابد زیرا این کشور هم متوجه شده است که اگر دنیا آرام شود آمریکا فشارش را بر شرق آسیا و مشخصاً چین می‌آورد. وی بیان

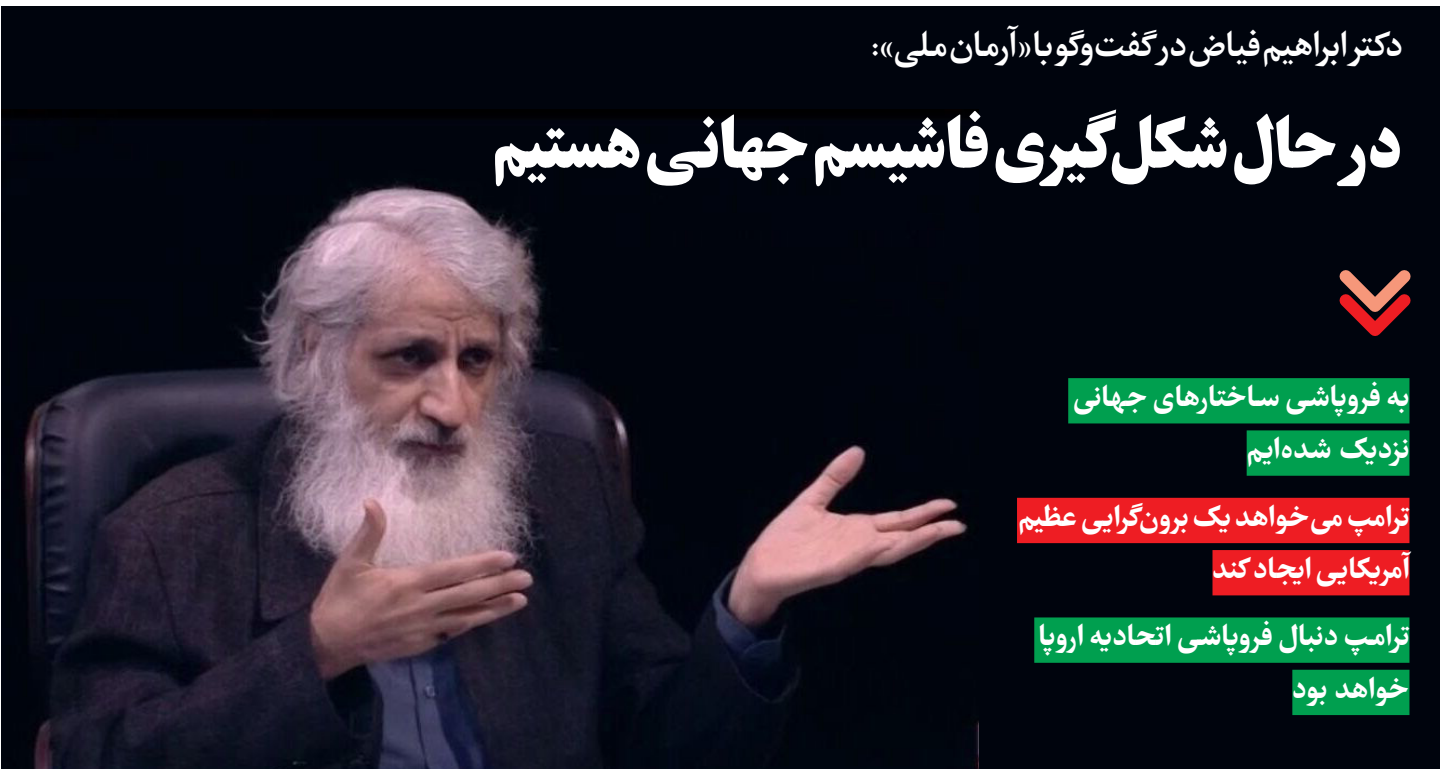
کرد: اصل حرف آقای ظریف فارغ از آنکه چه قدر قابلیت اجرایی شدن داشته باشد، درست است و صلح و آتش‌بس به نفع همه کشورهای منطقه است و حتماً اگر منطقه آرام باشد، کشورهای منطقه می‌توانند مسیر توسعه را طی کنند. مجبعلی در پاسخ به این پرسش که برخی طیف‌ها و رسانه‌هایشان چنین نقدی را به ظریف وارد می‌کنند که ارتباط با همسایگان نه در دولت روحانی و نه حالا بلکه در دولت سیزدهم وجود داشت، مطرح کرد: این گزاره دقیق و درست نیست زیرا در دولت قبل مشکلات مهمی با

قاسم مجبعلی:

تندروها از ادامه وضعیت جنگی سود می‌برند

دوشنبه
۱۴۰۳/۱۰/۱۰
۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۴/ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۴

armanmeli.ir

سال پنجم
شماره ۲۰۰۹

وگذار شد و اگر اصول اخلاقی و قانونی این رفتار بزرگ‌مشنانه رعایت نشود به سرعت و بدون تردید ما خواستار بازگرداندن کانال پاناما به ایالات متحده خواهیم شد. این سخنان نشان می‌دهد که ترامپ دنبال اهداف جدید در معادلات جهانی است که با گذشته متفاوت خواهد بود. دونالد ترامپ اتحادیه اروپا را تهدید کرده که در صورت افزایش ندادن واردات نفت و گاز از آمریکا تعرفه‌های سنگینی بر کالاهای صادراتی این اتحادیه وضع خواهد کرد. ترامپ همچنین در پستی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «من به اتحادیه اروپا گفتم که آنها باید با خرید گسترده نفت و گاز ما کسری فوق‌العاده خود را در برابر ایالات متحده جبران کنند در غیر این صورت تعرفه‌ها در راه است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوعات با دکتر ابراهیم فیاض جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

در دنیای امروز مدیران به واسطه هوش

مصنوعی می‌توانند تصمیمات عجیبی

بگیرند. نمونه بارز این موضوع در سوریه

اتفاق افتاد و همه کشورهای جهان حتی

روسیه از آن شوکه شدند

گرینلند نیز وجود دارد که در شرایط کنونی به دانمارک تعلق دارد اما بین این کشور و گرینلند یک اقیانوس فاصله دارد و به همین دلیل احتمال پیوستن آن به آمریکا وجود دارد. حتی این احتمال وجود دارد که آمریکا این منطقه را از دانمارک بخرد. نتیجه این وضعیت این است که منطقه آمریکای شمالی در نهایت به آمریکا ملحق می‌شود. در چنین شرایطی آمریکا به قطب شمال نزدیک می‌شود و به همین دلیل این احتمال وجود دارد که بر سر مخازن قطب شمال با روسیه درگیر شود. برخلاف دموکرات‌ها که همواره به جهانی شدن گرایش داشتند جمهوریخواهان و ترامپ به دنبال این هستند که یک برون‌گرایی عظیم آمریکایی در جهان به وجود بیاورند. در واقع ترامپ بیش از آنکه به دنبال تنش با چین باشد دنبال یکی آمریکایی‌سازی بزرگ است. همه این اتفاقات نیز به دلیل هوش مصنوعی در جهان امروز رخ می‌دهد. هوش مصنوعی در جهان امروز می‌تواند تنش‌هایی ایجاد کند که حتی در تخیل انسان نمی‌گنجد. حتی این احتمال نیز وجود دارد که ترامپ دنبال الحاق تنگه پاناما و مکزیک به آمریکا باشد.

آمریکای بزرگ که ترامپ دنبال آن است، چه تغییراتی

در معادلات جهانی ایجاد خواهد کرد؟

این موضوع بیشتر جنبه نژادپرستی دارد. نژادپرستی نیز علاوه بر جنبه جسمانیت، جنبه روحانیت نیز دارد. در واقع در این دیدگاه عنوان می‌شود که مسیحیان تنها نژاد سفید هستند. در چنین شرایطی مردم سفید مسیحی دارای اهمیت هستند و سیاهپوستان مسیحی دیگر اهمیت ندارند. این در حالی است که هنوز هم مشخص نشده که مسیح چگونه از یک فرد با چهره گندم‌گون خاورمیانه‌ای به یک مسیح موطلابی چشم‌آبی سفید تبدیل شد؟ این

شعار اول آمریکا که ترامپ مطرح می‌کند،

در نهایت به یک نوع بومی‌گرایی آمریکایی

منجر خواهد شد که می‌تواند در مراحل

بعدی ویژگی‌های تجا‌و‌گزری به خود بگیرد

تلنگر

رونمایی از موسسه تازه رانفی پور

محدوده فعالیت: گسترده!

همچنان که علی اکبر رانفی پور و «مصاف» موسسه وابسته به او، به گفته مقامات قوه قضاییه دارای پرونده قضایی هستند، بررسی‌ها نشان می‌دهد که نه تنها فعالیت‌های این موسسه دچار وقفه نشده، بلکه به تازگی یک تشکیلات جدید وابسته به مصاف تأسیس شده است. علی اکبر رانفی پور در فضای مجازی یک چهره جنجالی است که به اظهاراتش شناخته می‌شود. اظهاراتی که گاه در یک حوزه تخصصی عجیب می‌نماید و موجب واکنش متخصصان آن حوزه می‌شود. به عبارت دیگر شهرتش مدیون همین جنس سخنانش است. او استادی خودخوانده است و برای مریدانش، مرشد، مریدانش در فضای مجازی تاب هیچگونه نقدی به مرشدشان را ندارند و به صورت گروهی به هر نقدی پاسخ می‌دهند.

علی اکبر یا امیرحسین؟

رانفی پور البته علی اکبر، به ظاهر مدیر موسسه مصاف است، اما در اسناد رسمی «امیرحسین رانفی پور» به عنوان مدیر این موسسه معرفی شده است، فردی که برخی ادعا می‌کنند اساسا وجود خارجی ندارد و تنها یک نام مستعار برای خود «علی اکبر» است، اما «علی اکبر» خودش این موضوع را رد می‌کند. «علی اکبر» اسفند ۱۴۰۰، ضمن تأیید رابطه برادری با «امیرحسین» به نقش او در تأسیس «مصاف» اشاره کرد. او «امیرحسین» را دانش‌آموخته IT معرفی می‌کند که پس از ترور شهید شهپاری و احمدی روشن، «تغییر رشته داد و رفت را کنتر اتمی خواند». البته که منتقدان به همین رشته «راکتور اتمی» هم ان قلت وارد کرده‌اند که منظور از «رشته راکتور اتمی» کدام رشته دانشگاهی است. از زمان انتخابات مجلس دوازدهم، پای رانفی پور به قوه قضا باز شد. بالااقل خبر این مساله رسانه‌ای شد. قوه قضا اعلام کرد که از رانفی پور برای ارائه توضیحات در زمینه ادعاهایش، «دعوت» به عمل آورده است. لفظ کلمه «دعوت» انتخابات

گسترده‌تری پدید آورد. در بهار ۱۴۰۳ اسنادی درز کرد که در آن موسسه مصاف متهم به پولشویی می‌شد اما حادثه سقوط بالگرد حامل سید ابراهیم رئیسی و همراهانش و تحولات بعد از آن موجب شد این ماجرا به کل به محاق برود. نهایتاً قوه قضاییه اعلام کرد «پرونده‌ای با عنوان اتهامی نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و در قسمتی دیگر عملکرد موسسه مصاف» تشکیل شده است. بنا بر اعلام قوه قضا، «پس از رسیدگی قضایی در مورد نشر اکاذیب قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادر و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه ارسال شد. همچنین درباره مسائل مطروحه پیرامون موسسه مصاف نیز تحقیقات قضایی در این زمینه ادامه دارد و به محض رسیدن به نتیجه نهایی اطلاع‌رسانی صورت خواهد گرفت.» هرچند هنوز «نتیجه نهایی» البته طبق وعده قوه قضاییه «اطلاع‌رسانی» نشده، اما اوایل آذرماه گذشته، «امیرحسین رانفی پور» یادآوریل «مصاف» اقدام به تأسیس موسسه‌ای با نام «اندیشمندان تمدن مصاف» کرد.

شراکای موسسه

در این موسسه «امیرحسین رانفی پور» و «ابوالفضل اسدی» به عنوان شراکای آن در بدو تأسیس معرفی شده‌اند، نقش رانفی پور (رئیس هیات مدیره به مدت نامحدود) و «عضو اصلی هیات مدیره» و همچنین نقش «ابوالفضل اسدی» و «عضو اصلی هیات مدیره به مدت نامحدود» و «مدیرعامل به مدت نامحدود» تعریف شده است. در جست‌وجو برای یافتن سابقه‌ای از ابوالفضل اسدی، با موارد تشابه اسمی متفاوتی مواجه می‌شود. اما در رزومه یکی از نام‌ها، ردی از همکاری با موسسه مصاف دیده می‌شود، در رزومه این فرد «بنیان‌گذار و معاونت آموزشی دبیرستان پویندگان خورشید (مصاف)» خودنمایی می‌کند، به عبارت دیگر حلقه اتصال این فرد با تشکیلات مصاف، به غیر از شراکت در موسسه تازه تأسیس «اندیشمندان تمدن مصاف»، از همین طریق بوده که البته لااقل این حلقه در دسترس و قابل مشاهده است و شاید حلقه‌های اتصال دیگری هم بوده باشد که در دسترس نیست.

محدوده فعالیت

در اسناد رسمی، محدوده‌گستره فعالیت این موسسه تازه تأسیس بسیار گسترده تعریف شده است، «صادرات و واردات»، «اقدام و تسهیلات از بانک‌های داخلی و افتتاح هر نوع حساب گرفته»، «تولید محتوای غیرفرهنگی و غیرهنری و غیر رسانه‌ای»، «مشاوره و برنامه‌ریزی آزمون دستیاری، مشاوره فروش جزوات کمک درسی آزمون دستیاری»، «افتتاح حساب‌های بانکی و اخذ وام و تسهیلات از کلیه بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی داخلی یا خارجی به صورت ارزی و ریالی برای شرکت»، «شرکت در مناقصات، پیمان‌ها و مزایده‌ات دولتی و خصوصی»، «عقد قرارداد با سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌ها و موسسات دولتی و غیر دولتی»، «تنها بخشی از فعالیت‌های تعریف شده برای این موسسه قید شده است. رانفی پور و تشکیلاتش در انتخابات مجلس دوازدهم پرچم شفافیت را در دست گرفته بودند و از این طریق با قفای اصولگرای خود تسویه حساب می‌کردند، حالا او و موسسه‌اش هنوز تن به شفافیت نداده‌اند و مشخص نیست منابع مالی موسسه مصاف از کجاست، آیا، حالا همان موسسه‌ای که به گفته قوه قضاییه پرونده در حال رسیدگی دارد، یک موسسه دیگر هم راه‌انداخته است.